

سفینه تواریخ آل عثمان

گنج فارسی در خاک روم

زهیر طیب^۱، مروه کایا^۲

^۱ دانش آموخته پسادکتری زبان و ادب فارسی، دانشگاه تهران.

^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادب فارسی، دانشگاه تهران.

نام نویسنده مسئول:

زهیر طیب

چکیده

این نوشتار به بهانه معرفی و تشریح اثر ادبی تاریخی فخیم و فاخری به نام "تواریخ آل عثمان" که نمونه ویژه ای از نثر فنی فارسی عالی در سرزمین آناتولی و اثر یکی از افاضل گمنام آن سامان به نام محمد بن حاجی خلیل قونوی است، به سیر تطور زبان فارسی در فلات آناتولی یا سرزمین روم (ترکیه کنونی) می پردازد. این نوشتار ضمن معرفی برخی پژوهشهای صورت گرفته در رابطه با گسترش و کاربرد زبان فارسی در آناتولی، شواهدی از کاربرد رایج این زبان در مقطع تاریخی حکمرانی سلجوقیان و عثمانیان را ارائه می نماید. مقاله حاضر، محصول همکاری پژوهشگران ادب فارسی در دو کشور ایران و ترکیه است.

واژگان کلیدی: محمد بن حاجی خلیل القونوی، تواریخ آل عثمان، نثر فنی، آناتولی، عثمانی، سلجوقی، بلاغت.

مقدمه

زبان فارسی در دوران نشو و نما، همواره ملل گوناگون و همسایگان دور و نزدیک خود را در مغناطیس فرهنگی خود قرار داده و جذب کرده است. یکی از حوزه های جغرافیایی مهم که زبان فارسی در آن دورانی طلایی را سپری کرده است، فلات آناتولی و سرزمین روم یا ترکیه فعلی است. این کشور در زمان حکمرانی سلجوقیان و عثمانیان در ادوار مختلفی با زبان فارسی در ارتباط تنگاتنگ بوده است. آنچنان که شاهان این دو سلسله زبان فارسی را نیکو می دانستند و به آن می نوشتند و حتی شعر می سرودند. همچنین علمای این سرزمین زبان فارسی را نیک آموخته و آثار فراوانی را در رشته های مختلف به فارسی نگاشته اند. ادب عرفانی روم هم تحت تأثیر مولانا در این سرزمین عمده با زبان فارسی مطرح است. تاریخ گزارش می دهد که در برخی مقاطع حتی زبان رسمی حکومت و در برهه های کوتاه زبان مردم کوچه و بازار در سرزمین روم فارسی بوده و این نشان از عمق ارتباط و علاقه آن سامان به زبان فارسی دارد. حافظ و سعدی شیرازی نیز در ضمن قصاید و غزلهای خود از ترکانی فارسی گو (دست کم یکی از مصادیق آن) سخن رانده اند و در مجموع، پیوندهای قدرتمندی بین فارسی و سرزمین آناتولی برقرار است. در بخش نخست مقاله که به تحقیق در تاریخ زبان فارسی در دیار روم می پردازد، شواهد و تحلیل ها از کتابهای مرجع و گزارشهای تاریخی دست اول و قابل اتکا جمع آوری شده و پس از عرض و تطبیق در مورد آن اظهار نظر شده است. در بخش دوم مقاله که به معرفی اثر ادبی، تاریخی تواریخ آل عثمانی می پردازد ابتدا با در نظر گرفتن نسخه های موجود از اثر، تصحیح انتقادی صورت گرفته و سپس براساس متن منقح، اقدام به تعریف اثر در این نوشتار شده است.

بیان مسأله

در جریان تاریخی و فرهنگی برشمرده شده آثار ارزشمندی به قلم فرهیختگان روم به زبان فارسی نوشته شده که قله آنان جلال الدین بلخی رومی مشهور به مولانا و در دامنه آن، صدها فاضل ادیب و سخن پرور خطیب قرار دارند. نوشتار حاضر ضمن طرح تاریخچه ای کوتاه از زیست زبانی فارسی در آناتولی، یکی از آثار درخشان این دوره را معرفی می کند.

ادبیات پژوهش (مقالات)

- عبدالقدیر اوزجان در مقاله ادبیات و تاریخ نگاری در دوران سلطان محمد فاتح، فصلنامه انستیتوی علوم اجتماعی دانشگاه آرچیس (شماره ویژه سالگرد ۵۵۰ امین سال فتح استانبول، ۲۰۰۳ / ۱ ، شماره ۱۴ به رونق تاریخ نگاری در عصر سلطان محمد فاتح می پردازد و عناوین و چارچوب چند اثر تاریخی - ادبی را بیان می کند.
- احمد رفیق، در مجموعه انجمن تاریخ ترک، مارس ۱۹۲۶، شماره ۹۱ در مقاله ای به معرفی تواریخ آل عثمان از چند تاریخ نگار شهیر ترک پرداخته است که محمد بن حاجی خلیل قونوی یکی از آنهاست.
- نهال آتسز، مقاله ای با عنوان "تواریخ عثمانی شناخته نشده در کتابخانه های استانبول" را در نشریه انجمن کتابداران ترک، شماره ۵ آنکارا، ۱۹۵۷ به چاپ رسانیده است.
- عبد القدیر اوزجان، "نخستین چارچوب تواریخ آل عثمانی و تاریخ نگاری دوره بایزید دوم" را در نشریه علمی پژوهشی انسان و علوم اجتماعی، شماره ۲ پاییز ۲۰۱۳ دانشگاه خصوصی سلطان محمد فاتح استانبول مورد بررسی علمی قرار داده است.

یافته ها

ترکان اوغوز از قرن ۱۰ تا ۱۳ میلادی (قرن پنجم تا هشتم هجری قمری) مسافران سیاسی قدرتمندی بودند که از دریاچه آرال و سیبری، به سوی فلات آناتولی رهسپار شدند و آن بلاد را تحت نفوذ و سیطره حکمرانی خود قرار داده بودند. این مهاجمان با آن که از لحاظ سیاسی بسیار نیرومند بودند زبان مستقلی نداشتند و برابر گزارشهایی تاریخی در قرن یازدهم میلادی (ششم هجری قمری) زبان اوغوزی، صورت مکتوب و نوشتاری نداشت. در مقابل، اوغوزها از زبان ترکی کاراهانلی (قراخانی به تلفظ فارسی) که زبان سنتی مسلمانان در آسیای صغیر بود را برای نگارش استفاده می کردند و زبان نوشتاری ایشان بوده است. (کورکماز: ۱۹۹۵، ۶۲۹) اوغوزها آنگاه که در عرض های پایین تر گام نهادند و به مرزهای سلطنت سلجوقی رسیدند، ناگزیر شدند به منظور ارتباط با جامعه علاوه بر فراگیری آموزه های دین مبین اسلام، با زبان های فارسی و عربی آشنا شوند.

از سوی دیگر، دیوان سلطنت سلجوقی توسط ایرانیان اداره می شد که همگی به زبان فارسی سخن می گفتند و می نوشتند. این دیوانیان، غالباً طلاب مدارس علوم دینی بودند و لاجرم به همین دلیل تسلط اسلام بر دربارهای سلجوقی انکارناپذیر بود و این سیطره به اوغوزها نیز سرایت پیدا کرد. از این رو زبان های عربی و فارسی در آناتولی ارزشمند شد و در محل توجه قرار گرفت.

در زمان حاکمیت سلجوقیان بر ایران، دو سلطنت تحت نام سلجوقی در منطقه شکل گرفت. نخستین آن ها سلجوقیان بزرگ بود که ایران را تحت حاکمیت داشت و دیگری سلجوقیان کوچک بود که منطقه آناتولی را زیر سیطره داشت. تحت تأثیر حضور پر تأثیر ایرانیان، زبان رسمی مکاتبات و احکام دیوانی و زبان علم و زبان ادبی این دو دولت فارسی و عربی بود.

پس از این که ترکان با آلپ ارسلان (آلپ = شجاع و نیرومند / ارسلان = شیر - هر دو به ترکی) وارد آناتولی شدند، جنگی به نام ملازگرد را در سال ۱۰۷۱ میلادی (۴۹۲ هجری) در محلی که امروزه هم به این نام شناخته می شود، صورت گرفت و ترکان شکست سختی به حریف رومی وارد کردند. با این پیروزی نظامی، دروازه های آناتولی به روی ترکان باز شد و ترکان اندک اندک طعم استقلال را چشیدند (چه پیش از این ترکان نقش گماشتگان سلسله های نیرومندتر را عهده دار بودند). به این ترتیب بود که سرزمین آناتولی، اسلامی و ترکی شد و رومیان (اروپایی) از این سرزمین با تحمل شکست نظامی، بیرون شدند. (نورمان: ۱۹۹۷، ۲۷) اندکی بعد آناتولی به تصرف سلجوقیان درآمد. (جعفر اوغلو: ۱۹۷۲، ص ۳) پس از این، دوران مغولان فرارسید و استیلای مغول از سمت شرق جهان آغازیدن گرفت. به همین مناسبت کوچ های بزرگی از کشورهای شرقی به سمت آناتولی انجام شد. این دوران، هم زمان با سلطنت عزالدین کیکاووس اول و علاءالدین کیقباد اول بود. در این دوره بسیاری از ترکانی که در آسیای صغیر، شهرنشین بودند به انضمام روستاییان و جمعیت های عشایری و در گردش، رهسپار دیار آناتولی شدند. (اوجاک: ۲۰۰۶، ۴۴۷)

ترکان، در آناتولی هر جا که گرد می آمدند، قصبات و شهرهایی را تشکیل می دادند و بر بقایای تمدن بیزانس بناهایی می ساختند که مناسب زیست آن ها باشد. (بایکارا: ۲۰۰۶، ۲۲۹) در این دوران، ترکان تنها پناه بردگان به فلات آناتولی از هجوم مرگبار مغول نبودند، بلکه دیار فارس نیز کوچندگان و مهمانان زیادی را برای فلات آناتولی به ارمغان آورد، از جمله بسیاری از ایرانیان که راه این دیار را در پیش گرفتند تا تیغ آخته مغول، گردن آنان را نزند. بدیهی است که این افراد، از طبقات بالای جامعه ایرانی و صاحب مکتب از قبیل تجار و شیوخ و علما و فضایی بزرگ بودند که در شهرهای آناتولی، ایمن از هجوم مغول، مسکن و مأوی گزیدند. (بایرام: ۲۰۰۱، ۶۳)

با توجه به آنچه گفتیم درک این مطلب که تنوع فرهنگی و زبانی چنین گسترده ای در سرزمین آناتولی به وقوع پیوندد، دشوار نخواهد بود و شاهدیم که از زبان ها و تمدن ها و فرهنگ های گوناگون، نمایندگانی نیرومند در سرزمین آناتولی حضور یافته اند. ابن بی بی مورخ مشهور ایرانی قرن هفتم در آسیای صغیر می گوید: مردمان در آناتولی به پنج زبان تکلم می کنند. (اوز تورک: ۱۹۹۶، ۹۷) عثمان توران^۱، مورخ دیگر گفته است: زبان های ترکی، فارسی، رومی، عربی، سریانی زبان های رایج در آناتولی آن عصر بوده است. (توران: ۲۰۰۶، ۴۷۱) ولی ابن بی بی در جای دیگری گفته است که در آناتولی، زبان های فارسی و عربی نیز رواج داشته است. این بدان معناست که عربی و فارسی نیز در آن زمان کاربرد وسیعی در سرزمین آناتولی داشته است. (اوز تورک، همان اثر، ۱۴۱)

تا جایی که ما می دانیم زبان رسمی دولت سلجوقیانی که در ایران حکومت می کردند، فارسی و عربی بوده و در مدارس نیز غالباً زبان عربی تدریس می شده است و به طور کلی علم و آموزش به زبان عربی در این دوره رواج داشته و فارسی و عربی، زبان اهل فضل و دانش در این دوره بوده است.

از سوی دیگر در دولت سلجوقیان آناتولی نیز که شاخه ای از سلجوقیان ایران به شمار می رفت، زبان رسمی و زبان علمی، عربی بود - زبانی که به تدریج جای خود را به زبان فارسی داد -. پس از استیلای مغول، فراوانی دبیران و مأموران و دانشمندان فارسی زبانی که در قلمرو سلجوقی از بیم مغول به اقصای آناتولی فرار کرده بودند، موجب گسترش تدریجی زبان فارسی در این منطقه شد و فارسی از اعتبار روزافزونی در این قلمرو برخوردار شد. (حیاتی: ۲۰۰۶، ۴۴-۴۲)

آن چنان که در مقطعی از زمان، تمام بلندپایگان کشور به فارسی سخن می گفتند و اکثریت قریب به اتفاق مردم نیز اندکی با فارسی آشنایی پیدا کرده بودند. زبان فارسی در این دوره به تدریج زبان دیوانسالاری، ادبیات و زبان روزمره مردم شد. (توران، همان اثر، ۴۷۱) در عصر سلجوقیان آناتولی مطابق با دوره حکمرانی سلجوقیان ایران، زبان فارسی، زبان رسمی و ادبی آناتولی شد و آثاری که در این عصر در آن ناحیه تألیف و نوشته می شد، به زبان فارسی بوده است. در دوره معین الدین پروانه، وزیر عز الدین کیکاووس دوم، به فراخور فارسی زبان و ایرانی تبار بودن این وزیر، ایرانیان بسیاری در دربار سلجوقی راه یافتند، به همین جهت زبان فارسی در دیوان سلجوقی غلبه بلامعارضی

^۱ عثمان توران (متولد ۱۹۱۴، درگذشته ۱۹۷۷) استاد تاریخ در دانشگاه آنکارا و متخصص تاریخ سلجوقیان روم و نویسنده کتاب هایی چون تاریخ سلاجقه و مدنیت ترک-اسلام، و اسناد رسمی مربوط به سلاجقه آناتولی است. از مهم ترین آثار او مقاله مفصلی است که در بررسی کتاب فسطاط العیال در یادنامه فؤاد کوپرولو نوشته است. عثمان توران همچنین نویسنده مقالاتی در دایره المعارف اسلام (ترکی) است. او جز نویسندگان تاریخ اسلام کمبریج است.

در این دوره یافت و حمایت‌های فرهنگی بسیاری از سوی این وزیر فرهنگ‌دوست و خردمند از اهالی فضل و علم صورت گرفت که از آن میان به جلال الدین محمد بلخی (مولوی) و پدرش بهاء الدین ولد و فرزندش سلطان ولد و غیاث الدین جمشید کاشانی ریاضیدان و ستاره شناس ایرانی قابل اشاره است.

در گفتگویی که با پروفسور میکائیل بایرام، استاد تاریخ دانشگاه سلجوق شهر قونیه داشتیم وی براساس تحقیقاتی که کرده است بیان کرد: با جستجو در فهرست نسخ خطی کتابخانه‌های آناتولی، بیش از ۲۳۰ کتاب در این دوره به زبان فارسی و عربی تألیف شده است. وی بیان کرد: مؤلف ۲۰ رساله نامشخص است اما بقیه آثار، نویسندگانی مشخص دارند که حدود ۸۰ شخصیت را شامل می‌شود. از این مجموع، ۱۴۵ اثر به زبان فارسی و ۶۸ اثر به زبان عربی و ۱۵ تای باقیمانده به زبان ترکی نوشته شده است. اطلاعاتی که هم‌اکنون در دست داریم حاکی از این است که در آن دوران، زبان شعر، غالباً فارسی بوده است. (همان مصاحبه)

اعتلای زبان ترکی در آناتولی

قره‌مانیان که از شاخهٔ سالور اوغوزند، یکی از امیرنشین‌های آناتولی بودند و بعد از عثمانیان، قویترین و بزرگترین جریان سیاسی و اجتماعی آناتولی به شمار می‌رفته‌اند و تقریباً ۲۳۷ سال از ۱۲۵۰ میلادی تا ۱۴۸۷ در صد بوده‌اند. "قره‌مان اوغلو محمد بی" شاخص‌ترین حاکم این سلسله بود و جایگاه خاصی را در بحث ما داراست. حکمرانی سلجوقیان آناتولی همواره توأم با ناآرامی و جو متشنج سیاسی و نظامی و اجتماعی بوده است. محمد بی از این آشفتگی بهره برد و در سال ۱۲۷۷ میلادی قونیه را فتح و در به قدرت رسیدن سیاوش پسر عزالدین کیکاووس دوم به زعامت آن ولایت نقش مؤثری ایفا کرد. یادمان باشد که در آن روزگار، قونیه پایتخت سلطنت سلجوقی آناتولی بوده است. سیاوش، پس از به قدرت رسیدن، محمد بی را به وزارت خود برگزید. وی در این سال دیوانی از بزرگان قونیه ترتیب داد و به نام سیاوش خطبه خواند و سکه زد و گفت: از این پس هیچکس در دیوان و مجلس و کوی و برزن جز ترکی، نباید به زبان دیگری سخن براند و اسناد رسمی دفاتر ثبتی هم باید از این به بعد به ترکی نوشته شود. (یازجی زاده: B404) این رویداد، مبدأ تحول زبانی مهمی در آناتولی شد و خون تازه‌ای در رگ این زبان تزریق کرد. از آن پس تا روی کار آمدن حکام عثمانی، ترکی، زبان غالب و رسمی این سرزمین شد و آثار علمی و ادبی گوناگونی به این زبان نوشته شد و ترجمهٔ آثار به این زبان، شیوع یافت. (حاتمی و ایشل: ۱۹۸۹، ۳/۳) ولی عثمانی‌ها همچون سلجوقیان نبودند که با انعطاف زبانی، به زبان مردمانی که بر آنها حکم می‌راندند، درآیند بلکه با حفظ زبان‌های مرسوم، بر رواج زبانی که خود، میراثدار آن بودند، تأکید داشتند. (ساغول: ۱۹۹۹، ۹/۵۵) از آغاز حکومت عثمانی، فرهنگ اسلامی با چاشنی زبانهای عربی و ادبیات پارسی در کاخها و مدارس علمی، سیطرهٔ پررنگی پیدا کرد، آنچنان که در دیوانهای دولتی عثمانی رعایت دقیق فارسی نویسی مورد تأکید سلاطین قرار گرفته و اشعار فراوانی به زبان فارسی سروده شده است. زبان امپراتوری عثمانی به عنوان یک موجود مستقل زبانی در قرن پانزدهم میلادی از آمیزش زبان‌های ترکی، فارسی و عربی متولد شد. در اواسط این قرن، اندک اندک مردم زبان ترکی را در سایهٔ بلند قامت دو زبان عربی و پارسی که صاحب آثار فرهنگی و علمی بسیاری بودند، به فراموشی سپردند.

سلطان مراد دوم در همین سلسلهٔ حکومتی است که وقتی "مرجمک احمد"، قابوسنامه را به ترکی برگرداند، ترجمهٔ او را به دلیل دوری از موازین زبان ترکی نپسندید و وی را به عدم تسلط به زبان ترکی متهم کرد و از او خواست تا بار دیگر دست به ترجمهٔ این اثر با دقت بیشتری بزند. (اوسکریمله، ۷۱) نهضت ترجمهٔ آثار فارسی و عربی به ترکی، در این دوره به شکوفایی رسید و آثار بسیاری از این دو زبان به زبان ترکی برگردانده شد. (فؤاد کوپرولو: ۱۹۶۵، ۱۵۷) بعضی از فرمانهایی هم که در قرن پانزدهم صادر شده از جمله قانون نامهٔ سلطان محمد فاتح به زبان ترکی نوشته شده است.

این بود چکیده‌ای از سیر تطوّر زبان در دیار آناتولی. در ادامه به بحث تاریخ نویسی در دوران عثمانی که رویشگاه اثر مورد بررسی این نوشتار بوده است خواهیم پرداخت.

تاریخ نویسی در دورهٔ عثمانی

تاریخ نویسی یکی از سنت‌های فرهنگی و ادبی تمدن‌های شرقی است که حضور نیرومندی در همهٔ ادوار داشته است. از سوی دیگر پادشاهی عثمانی، وارث تمدن اسلام و شرق بوده است، به همین جهت در دولت عثمانی، تاریخ نویسی فرهنگی شایع و پررنگ در سنت فرهنگی و ادبی آن زمان بوده است. (جوشگون، ۴۳)

در دورهٔ عثمانی با این که عربی و فارسی بسیار فراگیر بود، اما زبان ترکی همچنان برای نگارش تواریخ مورد استفادهٔ نویسندگان قرار می‌گرفت (پاشازاده: ۱۹۹۶، ۱۳) و واکنشی هم در برابر این امر از سوی سلاطین عثمانی نمی‌بینیم.

علت این که تاریخ نویسان عثمانی ، کتابهایشان را به زبان فارسی و عربی می نوشتند شاید این بود که در آینده موفقیت های پاشاها هم عصرشان در تاریخ حفظ شود و چه استدلال قدرتمندی! اما با این وجود برخی از پادشاهان ترجیح می دادند که کماکان تاریخ وقایعشان به زبان ترکی نوشته شود و در این رابطه وحدت رویه ای در بین شاهان عثمانی وجود نداشت.

پادشاهان عثمانی و درباریان دیگر، در دراز مدت متوجه فواید تاریخ نویسی شده بودند و این سنت تاریخ نویسی عثمانی نشانه آن است که آنان به اهمیت این موضوع پی برده بودند و به شأن آن اهتمام داشتند چنان که این تراکم آثار تا آن دوران حتی در تمدنهای همسایه آنان که دیرپاتر از عثمانی به شمار می رفتند، کم سابقه بود. (ارسان لی: ۱۹۲۹-۱۹۳۷: ۴۳)

سیر تاریخی نگارش تواریخ آل عثمان

یاهشی فاکیه (بخشی / یاغچی فکیه به تلفظ فارسی) که امام "ارهان قاضی" (پدر سلطان عثمان) بوده کتابی به نام مناقب آل عثمان نوشته است که هم اکنون در دسترس ما قرار ندارد. اما می دانیم این کتاب، نخستین کتاب در موضوع تاریخ عثمانی بوده است. همچنین کتاب عاشق پاشا زاده هم در این موضوع، نخستین کتب این حوزه بوده که از نام و متن آن اثری در دسترس نیست. (مناژ: ۱۹۶۳، ۵۴-۵۰)

در قرن شانزدهم "گرمیانی (اهل گرمیان) احمدی" در پایان یک نسخه اسکندرنامه، منظومه ای با عنوان "داستان تواریخ ملوک آل عثمان" سروده است که نخستین متن نوشتاری در دسترس در این موضوع است. (بانارله: ۱۹۳۹، ۶/۱۷۶ و ۶/۱۱۱ - اتسز: ۱۹۴۹، ۳ - فؤاد کوپرولو: ۱۹۶۵، ۲۲۱-۱/۲۱۶)

آثاری که در دوره سلطان مراد دوم (۱۴۴۴-۱۴۲۱) و (۱۴۵۱-۱۴۴۶) از عربی و فارسی به زبان ترکی ترجمه می شد، نمونه هایی از تاریخ متعارف و ضابطه مند را به زبان ترکی منتقل کرد. نخستین تاریخ از این دست را می توان "تاریخ ابن بی بی" به نام تاریخ آل سلجوق به تصحیح علی یازجی اولو برشمرد. این تاریخ، یک اثر حرفه ای در حوزه بیان تاریخی رویدادهای عثمانی به شمار می رود و با ظهور این اثر، آرام آرام آثار دیگری در این قامت به تاریخ آل عثمان پرداختند. (اوزجان: ۲۰۱۱، ۵۸۱-۵۷۹ / XL) در این دوره کتابهای فراوانی با نام تواریخ آل عثمان نوشته شده که از نویسندگان بسیاری از آنان در متن اثر و کتب و گزارشهای پیرامون آن اثری در دست نیست.

به طور کلی و با تعاریف مرسوم از تاریخ، از قرن چهاردهم میلادی تا کنون، کتاب تاریخی در خصوص دوره عثمانی به شیوه علمی و متعارف آن نمی شناسیم و مناقب آل عثمان و داستان تواریخ ملوک آل عثمان، بیشتر رویکردی قصه وار دارند تا رویکرد تاریخی محض.

درباره بررسی این آثار، اولین کار جدی را آقای فریدریک گیز، با بررسی مقایسه ای بین ۱۴ نسخه تواریخ آل عثمان در سال ۱۹۲۲ انجام داده و کتابی هم براساس این بررسی منتشر کرده است.^۲

در دوره سلطان محمد فاتح، خصوصاً بعد از فتح استانبول، تاریخ نویسی حیات دوباره ای در آناتولی یافت. اولین تاریخ جهان و تاریخ آل عثمان به صورت مستقل در این عصر نگاشته شد و خودنگاری (مونوگرافی) نیز رواج پیدا کرد. این نخستین تکاپوها و تجربیات نویسندگان ترک در خصوص نگارش تاریخ و مونوگرافی بود و بنابراین شاید گاه از قوت زیادی برخوردار نبوده است.^۳ یکی از دیگر موضوعات تأثیرگذار بر تاریخ نگاری عثمانی که در عصر فاتح اثر ویژه ای بر این دوره گذاشت، مهاجرت فارسی سرایان به دربار عثمانی است که سنت شاهنامه سرایی را در این دوره باب کرد. محمد دوم (سلطان فاتح) به این شعرای فارسی زبان، حقوق نیز پرداخت می کرد و آنان را در دیوان و دربار خود مشغول می ساخت. این فارسی سرایان نیز مدح و منقبت را به غلو و بزرگنمایی سوق دادند و مدحهای شگفت انگیزی در این دوره از شاعران، شاهدیم که نمونه هایی از آن را بر خواهیم شمرد.

- آثار حمیدی و شهیدی دو شاعر پارسی گو نخستین آثار از این دستند.
- هونگرنامه (خونکار به تلفظ فارسی به معنی خداوندگار) اثر شاعری به نام مُعلی به زبان پارسی
- غزانامه روم منظومه ای تاریخی اثر شاعری پارسی گوی به نام کاشفی به زبان پارسی^۴

^۲ این اثر از سوی نهیات عظمت، با حروف جدید ترکی باز نشر شده است: استانبول، ۱۹۹۲. و نیز: نجات اسطور، تواریخ آل عثمانی بدون مؤلف، استانبول، ۲۰۰۰

^۳ برای اطلاعات بیشتر در مورد تاریخ نویسی در عصر فاتح بنگرید به: عبدالقدیر اوزجان، ادبیات و تاریخ نگاری دوره فاتح، مجله مؤسسه علوم اجتماعی دانشگاه آرجی پس (قیصریه)، ۱/۲۰۰۳، شماره ۱۴ ص ۵۵-۶۲.

^۴ رابرت آنهگر، هونکرنامه مُعلی، نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول، ۱/۱۹۴۹، ۱/۱ ص ۱۴۵ و ۱۶۶.

برخی دیگر از آثاری که در دوره فاتح نوشته شده عبارتند از:

- بهجت التواریخ به زبان فارسی اثر: شکرالله که از آفرینش عالم و آدم تا دوران اسلام و از فلاسفه یونان و حکومتداران کهن ایرانی و سلسله های اسلامی اموی و عباسی و علوی و سلجوقیان در آن سخن گفته و قسمت سیزدهم آن را هم به تاریخ آل عثمان اختصاص داده است. این کتاب در سال ۱۵۳۰ تا ۳۱ به وسیله مصطفی فارسی به ترکی ترجمه و با نام محبوب قلوب العارفین انتشار یافت.
- دستورنامه به زبان ترکی اثر انوری که تاریخ عام از ساسانیان، مغولان، امیرنشینان آناتولی و آیدین اوغللری در آن ذکر شده است. پروفیسور مکرمین خلیل ینانچ این کتاب را تصحیح و منتشر کرده است.
- تواریخ السلاطین العثمانیه به زبان عربی اثر: محمد پاشا قره مانی، وزیر اعظم. این کتاب نیز از سوی مکرمین خلیل ینانچ ترجمه و چاپ شده است.^۵
- تاریخ ابوالفتح به زبان ترکی اثر: طورسون پی که اختصاصاً در مورد دوره سلطان محمد فاتح و اندکی درباره بایزید دوم در آن گزارش شده است. این اثر در مجموعه تاریخ عثمانی در ضمن آن به چاپ رسیده است.

تواریخ آل عثمان قونوی

براساس مطالب دو نسخه شناخته شده و باقیمانده از این اثر در کتابخانه های پاریس و رشید پاشای قیصریه ترکیه مؤلف این رساله ادبی، "محمد بن حاجی خلیل القونوی" است. شاید لفظ "حاجی" به قرینه عدم استعمال آن در این دوره، تصحیفی از واژه "حُجا" به معنی خواجه به معنی استاد باشد. چنان که این واژه در نسخه رشیدپاشا (ص ۲۷) به متن الحاق شده است و در تحریر نخستین، نبوده است. گرچه می توان این الحاق را به فراموشی کاتب و اصلاح خود او هم نسبت داد.

علی رغم تلاشهای مترجم و دو سفر تحقیقی به استانبول و قونیه و بررسی کتابخانه های کشور ترکیه و نیز آرشیو مرکز پژوهشهای اسلامی استانبول ISAM، در مجموعه مخازن و بانکهای اطلاعاتی شخصیت های ادبی و علمی ترکیه از جمله آرشیو معظم کتابخانه سلیمانیه که فهرست نسخ خطی کتابخانه های بزرگ و تاریخی ترکیه را در بر دارد و نیز گفتگوی تحقیقی با استاد تاریخ قونیه دکتر میکائیل بایرام که آثار متعددی در حوزه مورد بحث ما از قلم محققان ایشان به انتشار درآمده و نیز بررسی حضوری مخطوطات کتابخانه قونیه، اطلاعی در مورد این شخصیت ادبی دوره عثمانی در دست نیست و تنها اطلاعات محدودی از قلم وی در اثر وجود دارد، با این وجود باب تحقیق در مورد این شخصیت ادبی، همچنان باز است و اگر روزی اطلاعات بیشتری در مورد وی به دست آید حتماً باید به این رساله افزوده شود.

مطابق متن، وی زاده قونیه است و بنابراین ترک محسوب می شود و این موضوع قرائن و شواهدی در متن دارد که نشان از فارس نبودن وی به جهت برخی استعمالات خارج از عرف از لغات و ترکیبات و عبارات، دارد. وی در دوران سلطان فاتح می زیسته و بیان می کند که این کتاب را به فرمان سلطان فاتح نوشته است. می توان حکم کرد که وی از ادبای شهر عصر فاتح و مورد شناخت سلطان بوده است بنابراین رفت و آمد و روابط او با دربار سلطان دور از انتظار نیست.

ساختار این اثر بدون تردید، از سنت ادبی شاهنامه نویسی فارسی، تأثیر پذیرفته است. مؤلف در این اثر از معماری قونیه، تقویم های قدیمی و سلسله سلجوقیان گزارشهایی به دست می دهد و این گزارش را تا دوران عثمانیان ادامه داده است و در بین عثمانیان هم به قرینه معاصرت و هم به دلیل ارتباطات و مودتی که با این سلطان داشته، فصل مشبعی به رشته تحریر کشیده است.

آنچه از مقدمه اثر مشخص است این که این اثر اگرچه در زمان سلطان محمد فاتح و به امر او شروع شده اما در دوره سلطان بایزید دوم به پایان رسیده است. (Anhegger, 1950-51, II/3-4, s. 51-66) این اثر نمونه ای عالی از نثر فنی فارسی در قالب رساله های تاریخی است و مطالعه آن نیازمند دامنه اطلاع وسیعی از واژگان فارسی و عربی است.

اصلاح یک خطای تحقیقی

محقق ارجمند جناب پروفیسور دکتر عبد القدیر اوزجان، استاد دانشگاه آرجیس قیصریه، تسامحاً در خوانش متن این رساله سهوی مرتکب شده اند که جا دارد ضمن احترام به جایگاه علمی و تلاشهای پژوهشی ارزنده ایشان، این خطا اصلاح شود.

ایشان در ضمن مقاله پژوهشی ادبیات تاریخ نویسی دوره سلطان فاتح (اوزجان: ۲۰۰۳، ۶۲-۵۵) عنوانی را که در مقدمه عربی این اثر در معرفی مؤلف آمده است را «کاتب شرع» خوانده و به همین دلیل، شغل مؤلف اثر را «کاتب شرع» معرفی نموده اند که صحیح نیست. اینک به ذکر عبارت صحیح می پردازیم:

^۵ این اثر در ضمن مجموعه انجمن تاریخ ترک، II/79، ص ۹۴-۶۵ منتشر گردیده است.

و هَذَا الْفَقِيرُ الْخَقِيرُ الرَّاجِي الطَّالِبُ مُحَمَّدُ بْنُ حَاجِي خَلِيلِ الْقُونَوِيِّ الْكَاتِبِ، شَرَعَ فِي تَنْظِيمِ فَوَائِدِهَا بِالْقُصُورِ التَّامِّ، وَ فِي تَرْتِيبِ فَوَائِدِهَا بِالْعَجْزِ التَّامِّ، إِمْتِنَانًا لِلْأَمْرِ الشَّرِيفِ الْعَالِي - لَا زَالَ مُتَعَالِيًا عَلَى الدَّوَامِ وَ التَّوَالِي - وَ اللَّهُ الْمُوفِّقُ وَ مُلْهِمُ الصَّوَابِ وَ إِلَيْهِ مَرْجِعُ الْمَآبِ .
بخشی از متن که نادرست خوانده شده به همراه اِعْرَابِ صحیح آن در این عبارت، علامتگذاری شده است. با توجه به نثر فنی و دشوار اثر، بدخوانیهایی از سوی محققان پیشین در خوانش متن این رساله رخ داده که گاه به مقالات پژوهشی نیز راه یافته است.^۶

ویژگی های ادبی اثر

به طور کلی این اثر از نمونه های نثر فنی و بسیار پیچیده فارسی است که بخشی از این پیچیدگی مربوط به زبان ادیبانه و فاضلانۀ مؤلف، بخشی از آن به قدرت نمایی وی در به کارگیری واژگان غریب و دشوار و بخش دیگر نیز به فارسی زبان نبودن نویسنده ارتباط دارد. دو عامل نخست، از این اثر، یک نمونه عالی از نثر فنی ساخته و عامل سوم هرچند کمرنگ، موجب برخی غرابت ها در انتقال معنا از ذهن نویسنده به چشم و گوش خواننده و شنونده شده است. مسلماً خوانش این اثر برای پژوهشگران بلاغی مفید و حاوی نمونه های بالابندی از به کارگیری صناعات ادبی می باشد. نمونه ای از این نثر عالی در مقدمۀ اثر قابل مشاهده است:

"فِي الْمَقْدَمَةِ

شی که کواکبِ ثَوَاقِبِ لَآلِی نَوَاجِمِ مُتَالِی، مانند لَعَبَتَانِ خیالی مُتَوَاتِرِ و مُتَوَالِی، در حوالی قُبَّةِ مُتَعَالِی، به خُنیَاگری زُهره زهرا رَقَاصِی می نمودند؛ وَ حَبَسَتْ شَبَّ شَبَّهٗ رَنگِ دَرَرِ غُرَرِ شَهَبِ نُجُومِ را بر سَوَاطِحِ بَسَاطِ عَاجُگُونِ صَحْنِ زُنْگَارِینِ گُونِ^۷، دِرَمِ نِثَارِی می کرد، گویی یوسفِ ضِیَا، در بِثَرِ تِیرَةِ اِبْتِلَا خَزِید، وَ یُونُسِ رُوزِ در بَطْنِ ماهی سیاهی از شَرَارِ اَشْرَارِ اِنْسِ، اُنْسِ و قَرَارِ گرفت. در چُنین لَیْلَةِ ظَلَمَا^۸ این سودا در سُوْدِیاءِ خَاطِرِ فَاثِرِ وَ دَفَاثِرِ جِنَانِ، چُنَانِ مُنْقَشِ شد که به تائیدِ مَلِکِ مُسْتَعَانَ^۹ در تَوَارِیخِ سَلَاطِینِ رُومِیَانِ - اَعْنِی زِ سَنَابِلِ مَنَاقِبِ آلِ عُثْمَانَ - که دَرِ عُثْمَانِ^{۱۰} اَخِرِ الزَّمَانِ^{۱۱}، کُوهِ^{۱۲} ثَمِینِ حَدِیثِ اَمْتِی یَعْلُوا وَ لَا یَعْلِی^{۱۳} به اَلْمَاسِ نَبُوتِ عَلَیْهِ اَفْضَلُ الصَّلَوٰةِ وَ السَّلَامِ به سُمُوتِ شَأْنِ عَالِی شَأْنِ اِیْشَانَ سَفْتِه، دانه چینی کُنَم؛ وَ صَفْحَاتِ اَوْرَاقِ اَفَاقِ را از اِیثَارِ اَثَارِ مَآثِرِ^{۱۴} اِیْشَانَ، مانند نگارخانه چینی، مُزَیْنِ سَازَمِ. مَن در این بحرِ عمیقِ فِکَرِ، غوطه می خورد و در این سَنگِلَاخِ عَتِیقِ ذِکَرِ، سَکْتِه می کرد؛ (که) نَاگَاه به تَبَاشِیرِ بَشِیرِ اَفَقِ، کَافُورِ تَتَقِ^{۱۵} چون رُخِ زیبای خُوبَانِ خوش آیینِ، بر گُلِ خَمَرِ(ی) بَسَاتِینِ خَنْدِید؛ وَ به تَبَلُّجِ^{۱۶} مِصْبَاحِ صَبَاحِ، بَرِ اَلْوَاحِ صَفَایِجِ لَاجُورِ دِی درخشیده و مُنْشِیَانِ سَنَا و ضِیَا، خَشِیوَاتِ نَوَاجِمِ را از طَوَامِیرِ مَسَا^{۱۷} نَسَخ کردند و نَقَاشَانِ حِکْمَتِ، دُودِه ظَلَمَتِ اَنْدُودِه غَسَقِ^{۱۸} را به خَضَابِ شَنگَرَفِ اَگِینِ قَلَقِ، مَحُو ساختند. گویا نَهَنگِ دُودِیَنکِ^{۱۹}

^۶ خانم مروه کایا در قالب پایان نامه تحصیلی دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران این اثر را با همکاری دگر تهیه کنندگان این مقاله تصحیح و تحقیق نموده است. برای اطلاع بیشتر به این پژوهش مراجعه فرمایید.

^۷ سنگی سیاه و کربنی

^۸ [ز] (ا) زنجار. زنگار. زنگ. زنگی که در فلزات از اثر رطوبت و غیره پیدا شود. - دهخدا (در متن این واژه مرکب، به صورت زنگارین گون آمده که با توجه به پایان یافتن سطر، احتمالاً توسط کاتب به دو قسمت تقسیم و در انتهای سطر بالا و ابتدای سطر پایین، توزیع شده است).

^۹ چاه. (ا) معروف و به عربی بثر خوانند. (برهان). ترجمه بثر. (آندراج)

^{۱۰} ظلمی. به معنی تیره و تاریک

^{۱۱} خداوند

^{۱۲} دریای عثمان، مجازاً به معنی مطلق دریا

^{۱۳} دستنویس: در اینجا "عَلَيْهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَ السَّلَامِ". خطای کاتب، واضح است.

^{۱۴} دستنویس: کوهی (نمایش کسره اضافه به صورت "ی" در کتابت، سابقه ای دراز دارد.

^{۱۵} این حدیث با تصرف در متن آن در این کتاب آمده است و اصل آن مطابق صحاح حدیثی چنین است: اَلْإِسْلَامُ یَعْلُوا وَ لَا یُعْلَى عَلَيْهِ (نهج الفصاحه، ص ۲۵)

^{۱۶} مآثر. [م ث] (ع) [ج] مَأْثَرَةٌ وَ مَأْثَرَةٌ. (منتهی الارب) (ناظم الاطباء) (اقراب الموارد). آثار و نشانهای نیک و کارهای پسندیده. - دهخدا

^{۱۷} چادر و پرده بزرگ. (برهان) (ناظم الاطباء). سربارده.

^{۱۸} تبلج. [ت ب ل ل] (ع مص) روشن شدن. (تاج المصاير بیهقی) (آندراج). روشن شدن صبح. (از اقراب الموارد) - دهخدا

^{۱۹} مساء [م] (ع) [ا] مساء. شبانگاه. شبانگاهان. شب. غروب - دهخدا

^{۲۰} غسق. [غ س] (ع مص) نیک تاریک شدن شب. (منتهی الارب) (آندراج).

^{۲۱} سیاه و دود رنگ.

قُلُومُ مَسَا، به تابِ آنیابِ ضَرغامِ فَلَک، اَعْنی اَقْتَابِ عَالَمِ تاب، تاب نیاورده تَنگَب^{۲۲} گرفت، وَ باز با زَرینه بالِ مُزَعَفَرُ یالِ مِهْرْمُرِغِ آبی هلال را به چنگالِ آل^{۲۳} و خَوافرِ اِحْتیال در رُبود. در چنین حالتی، سُرُوشِ پُرخروش، ندای صدای قَد اَصْبَتَ فَاَلَزِمُ^{۲۴} به گوشِ هوشِ این مدهوش رسانید. پَس علی سَبیلِ الإیجاز، به طریقِ تَحَقُّقِ نه مَجاز، به مُسَاعِدَتِ دولتِ سُلْطانی به شروعِ این معانی، مُبَادِرَتِ وَ مُسَارِعَتِ واجب دیده شد." (2A-2B)

جا دارد که در این رابطه پژوهش جداگانه ای صورت پذیرد تا ویژگیهای ادبی این اثر و مؤلف آن، بهتر نمایانده شود اما در اینجا به اختصار، برخی از ویژگیهای ادبی این اثر را به اجمال می آوریم.

صناعات ادبی

۱- تتابع اضافات: تَبَاشِیرِ بَشِیرِ تَتَّقِ کافورُ تَتَّقِ کافورُ چون رُخِ زیبایِ خوبان، خوش آیین - نَهَنگِ دودینکِ قُلُومِ فَلَک - منشاء عوارفِ کیخسرو مذکور عارف و ... - قَدَمِ اِکرام و تَجَبیل و اِعزاز و تَحْمیل و تَعْظیم و تَرْفیل و تَفخیم و تَفْضیل قَرایش نُهاده به هزاران ضَراعت و اِبتهال تَلَقّی و اِستقبال نمود.

۲- آرایه تسجیع و ترصیع: در چنین حالتی، سُرُوشِ پُرخروش، ندای صدای قَد اَصْبَتَ فَاَلَزِمُ به گوشِ هوشِ این مدهوش رسانید - و هرگاه که اَرَبابِ اِختیار و اَصحابِ اِختیار و اِستبصار را در اِختلاف و اِتِّفاقِ اَثارِ روزگار و تواریخِ سلاطینِ کُتُبِ نَظَری باشد - فُصولِ اُصولِ ایشان علی وَجِهِ التَّحْقِیقِ، به حُصولِ اِنجامیده.

دستور تاریخی

۱- کاربرد فعل مفرد برای فاعل جمع: کَفَّارِ مَلعین چون این قضیه مشاهده کرد و از چهارسوی، گلبانگ ... شنید. - راویانِ حقیقت گزار و ناقلانِ اَثار، روایت می کنند...^{۲۵}

۲- کاربرد فعل جمع برای فاعل مفرد: راوی اخبار و ناقلِ اَثارِ روزگار، چنین روایت می کنند...

۳- ترکیبهای وصفی مقلوب: استفاده از این ترکیبات در این اثر، فراوانی بسیاری دارد که در اینجا برخی نمونه های آن را می آوریم: کافورُ تَتَّقِ - مُزَعَفَرُ یال - اَتابکُ وزیر - فَلَکُ فراز و ...

اشعار شاعران عربی و فارسی:

مؤلف از شعر بسیاری از شاعران فارسی و عربی زبان سود جسته است که از آن میان، می تواند به دیوان زمخشری و ابوالعاتیه در اشعار عربی و فردوسی و سعدی و حافظ از شعرای فارسی اشاره کرد. هرچند باب تحقیق در مورد ابیاتی که شعرای آنها پیدا نشد و با توجه به شناختی که از متن به دست می آید، از خود مؤلف نیز نمی باشد، باز خواهد بود.

دستنویس ها (نسخه ها):

نسخه های این اثر در دو کتابخانه ملی فرانسه معروف به پاریس و کتابخانه مخطوطات شهر قیصریه در کشور ترکیه معروف به رشیدپاشا قرار دارند.

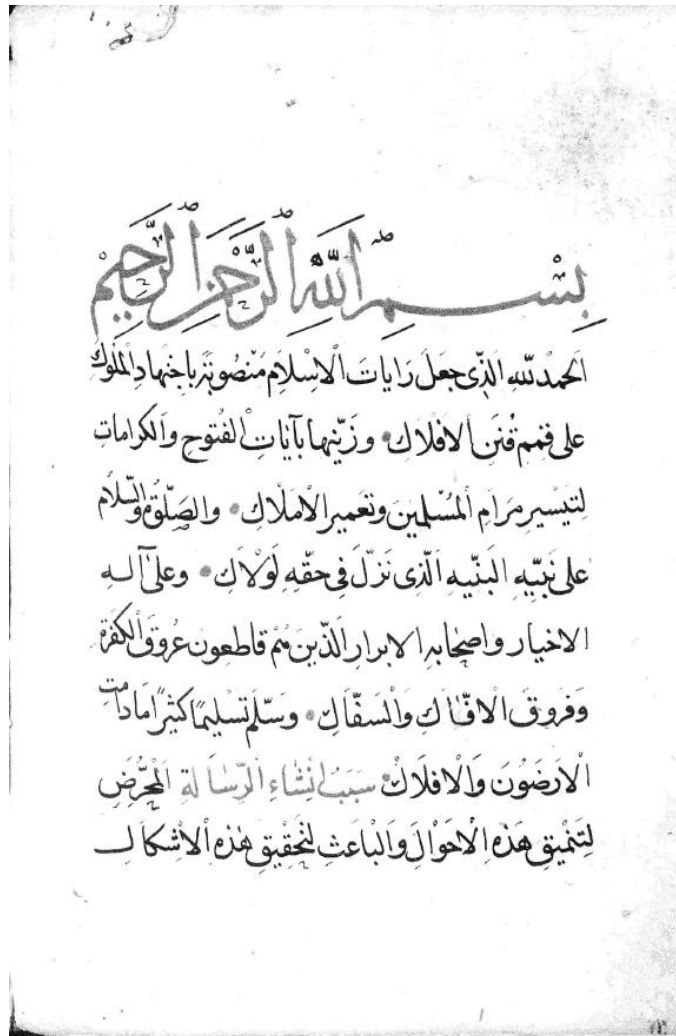
^{۲۲} تَنکَب. [تَن کُ کُ] (ع مص) برگشتن. (منتهی الارب) (آنندراج) (ناظم الاطباء) (از اقرب الموارد). || دور شدن و کناره گزیدن - دهخدا

^{۲۳} آل . (ا) نام دیوی مادینه، یعنی پری بدکار در خرافات زنانه که بشب ششم جگر زچگان بَرَد و آنان را هلاک کند. || بیماری که زن نوزاده را رسد تا شش روز پس از وضع حمل . - دهخدا

^{۲۴} برگرفته از حدیثی نورانی از پیامبر اسلام (ص) وَعَنْ أَنَسٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - «أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - لَقِيَ رَجُلًا يُقَالُ لَهُ: حَارِثُ، فِي بَعْضِ سَبْكَ الْمَدِينَةِ، فَقَالَ: "كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا حَارِثُ؟" قَالَ: أَصْبَحْتُ مُؤْمِنًا حَقًّا. قَالَ: "إِنَّ لِكُلِّ إِيْمَانٍ حَقِيقَةً، فَمَا حَقِيقَةُ إِيْمَانِكَ؟" قَالَ: عَزَفْتُ نَفْسِي عَنِ الدُّنْيَا، فَأَظْمَأْتُ نَهَارِي، وَأَسْهَرْتُ لَيْلِي، وَكَأَنِّي بِعَرْشِ رَبِّي بَارِزًا، وَكَأَنِّي بِأَهْلِ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ يَتَنَعَّمُونَ فِيهَا، وَكَأَنِّي بِأَهْلِ النَّارِ فِي النَّارِ يُعَذَّبُونَ. فَقَالَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: "أَصْبَحْتَ فَاَلَزِمُ، مُؤْمِنٌ نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ" رَوَاهُ الْبَرْزَارُ، وَفِيهِ يُوسُفُ بْنُ عَطِيَّةَ لَا يُحْتَجُّ بِهِ. (هيمشي: ۱/۵۷)

^{۲۵} این ویژگی در برخی دیگر از آثار این دوره زمانی و این منطقه جغرافیایی مشهود است. از جمله در شرح مثنوی سروری دیده می شود و مشخص شد که خطای کتابت نبوده است.

اگرچه دستیابی به این نُسَخ از دشواریهای سفر و هماهنگی های اداری و مالی خاصی برخوردار بود لیکن به دلیل اهمیت این پژوهش، هر دو نسخه با پیگیریهای فراوان تهیه شد و در تصحیح این اثر بدون تمایز و با نهایت دقت مطالعه و مورد استفاده قرار گرفت. در مجموع، نسخه پاریس هم به دلیل خوشخوان بودن آن و هم صحت املائی و انشائی بایستی از سوی کاتبی فاضل و هنرمند تحریر شده باشد اما این به هیچ وجه از ارزشهای استنادی نسخه رشید پاشا که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفت، کم نمی کند. در ذیل تصویر صفحه شروع اثر در هر دو نسخه را که شاهدی بر مدعای فوق هستند، قابل مشاهده است.



تصویر برگ اول نسخه پاریس



تصویر برگ اول نسخه کتابخانه رشیدپاشای قیصریه

منابع و مراجع

- [1] Anhegger, Robert, "Mehmed b. Hacı el-Konevî'nin Tarih-i Âl-i Osman'ı" İstanbul Üniversitesi Edebiyat Fakültesi Tarih Dergisi, İstanbul 1952, II/3-4
- [۲] ابن بی بی، الاوامرالعلائیه فی امورالعلائیه، ترجمه مرسّل اوز تورک، ج ۱، انتشارات K.B. 1996
- [۳] ابن بی بی، تواریخ آل سلجوق (نسخه شماره ۱۳۹۱ کتابخانه توپکاپی سرای)، ترجمه علی یازیجی زاده
- [۴] احمد یاشار اوجاک، اسلام ترکان سلجوقی: مدنیّت دوره سلجوقیان آناتولی، ج ۱، انتشارات وزارت فرهنگ و گردشگری، ۲۰۰۶
- [۵] الف. جعفر اوغلو، اولین بنیانگذاران فرهنگ آناتولی، مجموعه ترکیات، شماره ۱۷، ۱۹۷۲
- [۶] ای. جوشگون، تمایلات ایدئولوژی غربی در درک تاریخ ترکیه، مقالات سمینار تاریخ و جامعه شناسی، شماره ۴۳-۵۵، انتشارات دانشکده ادبیات استانبول
- [۷] ایستکوویت نورمان، امپراتوری اسلامی و عرف اسلامی، ترجمه ترکی: عصمت اوزل، انتشارات شوله، ۱۹۹۷
- [۸] آتیلا اوسکریمله، قابوسنامه مرجمک احمد، جلد اول، از سلسله انتشارات دولتی ۱۰۰۱ اثر بزرگ ادبی جهان، اثر شماره ۳۶، استانبول، بی تاریخ
- [۹] ب. بحار ارسان لی، اقتدار و تاریخ، تشکیل نظریه تاریخ رسمی در ترکیه، استانبول، انتشارات آفا، ۱۹۳۷-۱۹۲۹
- [۱۰] تونجی بایکارا، شهرنشینان و شهرهای ترکان سلجوقی، ج ۱، انتشارات وزارت فرهنگ و گردشگری، ۲۰۰۶
- [۱۱] حیاتی دیولی، زبان عثمانی، انتشارات F۳، استانبول، ۲۰۰۶
- [۱۲] دائرة المعارف عثمانی، مقاله: ساده سازی زبان در دوران عثمانی، نویسنده: خانم گولدن ساغول، آنکارا: ۱۹۹۹
- [۱۳] زینب کورکماز، پژوهش درباره زبان ترکی، ج ۱، انتشارات TDK، آنکارا، ۱۹۹۵
- [۱۴] عبدالقدیر اوزجان، تواریخ آل عثمان، انتشارات DİA، استانبول: ۲۰۱۱
- [۱۵] عثمان توران، ترکیها و محلیها در ترکیه قرون وسطا، فصل: مدنیّت در دوره امیر نشینان و سلجوقیان آناتولی، ج ۱، انتشارات وزارت فرهنگ و گردشگری، آنکارا، ۲۰۰۶
- [۱۶] کمال پاشازاده، تواریخ آل عثمان، دفتر ۱ و ۲ و ۱۰، مصحح: شرف الدین سیورجان، آنکارا، انتشارات TDK، 1996
- [۱۷] مجمع الزوائد و منبع الفوائد، حافظ نور الدین علی بن ابی بکر الهیثمی، دار الکتب العربیه، بیروت، بدون تاریخ
- [۱۸] محمت فؤاد کوپرولو، تاریخ ادبیات ترکی، چاپ سوم، انتشارات اوتوکن، استانبول، ۱۹۸۰
- [۱۹] محمد فؤاد کوپرولو، کتاب احمدی (دائرة المعارف اسلام)، استانبول، ۱۹۶۵
- [۲۰] میکائیل بایرام، شکل گیری تشکیلات دیوانی سلجوقیان آناتولی، انتشارات جوگیتو، ۲۰۰۱
- [۲۱] نشریه انستیتوی علوم اجتماعی دانشگاه آرجیس قیصریه، سال ۲۰۰۳، شماره ۱۴
- [۲۲] نیهات سامی بانارله، تاریخ عثمانی احمدی (شاعر آناتولی قرن شانزدهم): داستان تواریخ ملوک آل عثمان و مثنوی جمشید و خورشید، مجموعه ترکیات دانشگاه استانبول، استانبول، ۱۹۳۹
- [۲۳] نیهال آتسیز، تاریخ عثمانی، ج ۱، استانبول، ۱۹۴۹
- [۲۴] وی. ال. مناگه، مناقب یاخشی فقیه، نشریه مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی، شماره XVI، 1963
- [۲۵] ه. خسرو حاتمی و یشیم ایشل، برخورد بین زبان علمی و مقررات (تنظیمات) دولتی، بنگاه نشریات اشارت، مجله پژوهشهای علمی، شماره ۳۲، ص ۳، استانبول، ۱۹۸۹